



۲۰۱۸/۰۸/۱۵



رسول پویان

غزنی در آتش

خدایا غزنی ما در گرفته همه جا دود و خاکستر گرفته
جسد روی جسد افتاده یارب دد وحشی صفت خنجر گرفته

** * **

ابو ریحان سنایی گریه کردند زدل بهزادو جامی گریه کردند
ز درد و سوز تاراج تمدن همه با همصدایی گریه کردند

** * **

ز گور مولوی فریاد خیزد ز بلخ و بامیان صد داد خیزد
دل کابل شده چون کاسه خون فغان از مادر و اولاد خیزد

** * **

کجا شد آن شکوه پار غزنین چه آمد بر سر آثار غزنین
ز بیرحمی چرا در آتش کین به سوزاند در و دیوار غزنین

** * **

تمدن با توحش فرق دارد توحش تار و دانش برق دارد
تمدن کشتی بحر نجات است توحش عالمی را غرق دارد

** * **

بره ها در دم گرگان گرگ اند و چوپانان نهان درکنج ارگ اند
ز هرسو دشمنان بیدار و چالاک سران مملکت در خواب مرگ اند

** * **

به غزنی بیکفن خونپوش گشتند به روی جاده ها مفروش گشتند
به کابل دختران نیک سیرت ز سوگ و غم کفن بردوش گشتند

** * **

